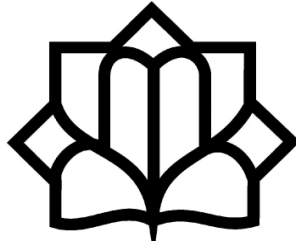


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه کاشان

دانشکده ادبیات و زبان های خارجی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

فرهنگ آداب و رسوم و اشارات در دیوان خواجهی کرمانی

استاد راهنما:

دکتر رضا روحانی

به وسیله:

احمد رضا گلابی

بهمن ماه ۱۳۹۰



دانشگاه کاشان
دانشکده علوم انسانی

بسمه تعالی

تاریخ:
شماره:
پوست:

مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه
صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

نام و نام خانوادگی دانشجو: احمد رضا گلایی
شماره دانشجو: ۸۷۲۳۱۱۰۲۰۴
رشته: زبان و ادبیات فارسی
دانشکده علوم انسانی
عنوان پایان نامه: فرهنگ آداب و رسوم و اشارات در دیوان خواجهی کرمانی
تعداد واحد پایان نامه: ۴
تاریخ دفاع ۱۳۹۰/۱۱/۱۷

این پایان نامه به مدیریت تحصیلات تکمیلی به منظور بخشی از فعالیتهای تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد ارائه می گردد. دفاع از پایان نامه در تاریخ ۹۰/۱۱/۱۷ مورد تأیید و ارزیابی اعضای هیأت داوران قرار گرفت و با نمره $\frac{۱۸}{۱۵}$ به عدد $\frac{۱۸}{۱۵}$ و با درجه بسیار خوب به تصویب رسید. اعضای هیأت داوران:

عنوان	نام و نام خانوادگی	مرتبه علمی	امضاء
۱. استاد راهنما	دکتر رضا روحانی	دانشیار	
۲. استاد مشاور	دکترسید مهدی متولی	استادیار	
۳. متخصص و صاحب نظر دانشگاه	دکتر حسین قربانپور	استادیار	
۴. متخصص و صاحب نظر دانشگاه	دکتر فاطمه طاهری	استادیار	
۵. نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر عباس اقبالی	دانشیار	

مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه

آدرس: کاشان - بلوار قطب راوندی
کد پستی: ۸۷۳۱۷-۵۱۱۶۷
تلفن: ۵۱۱۲۷۷۷ - دوتارخار ۵۱۱۲۷۷
<http://www.kashanu.ac.ir>

تقدیم به :

تمامی پویندگان طریقت علم و معرفت

سپاس

سپاس خداوندی را که همهٔ امور با نظر لطف و عنایت او به انجام نیک می رسد. در آغاز از تمام اساتید مهربان و بزرگواری که راهنمایی های ارزشمند و بی دریغشان همواره یاریگر من بوده است، بی نهایت سپاسگزارم.

از اساتید محترم جناب آقای دکتر روحانی که زحمت راهنمایی این پایان نامه را بر عهده داشتند و جناب آقای دکتر متولی که زحمت مشاورهٔ پایان نامه را متقبل شدند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

از اساتید محترم داور، جناب آقای دکتر قربانپور و سرکار خانم دکتر طاهری که قبول زحمت کرده و داوری این پایان نامه را به عهده گرفتند و نیز از جناب آقای دکتر اقبالی که زحمت نظارت جلسهٔ دفاع را عهده دار گشتند، بسیار سپاسگزارم.

همچنین از خانوادهٔ عزیزم که همواره یاری رسان من بوده اند، صمیمانه تشکر می کنم.

چکیده

فرهنگ هر قوم تشکیل دهنده هویت آن قوم است. هر فرهنگی از عناصری نظیر آداب و رسوم، سنن، فرهنگ عامه، معتقدات و باورها، مذهب، تاریخ، اساطیر و ... شکل می گیرد و شناخت این عناصر به شناخت و حفظ هویت و ارزش های جامعه یاری می رساند. از این رو پژوهش در این عناصر از ارزش و اهمیت ویژه برخوردار است. بسیاری از عناصر فرهنگی را می توان از خلال آثار ادبی استخراج و بررسی کرد. در قصاید و غزلیات نسبت به قطعات و مثنوی ها، اشارات کمتری به عناصر فرهنگی صورت گرفته است، در این میان، خواجهی کرمانی در دیوانش که اکثر اشعارش در قالب قصیده و غزل است، اشارات فراوانی را به انواع عناصر فرهنگی و آداب و رسوم دارد. خواجه این اشارات را برای بیان و القای موضوعات گوناگون از قبیل: ستایش خداوند، نعت پیامبر، منقبت اولیای دین، مدح ممدوحان، بیان مضامین عاشقانه و موعظه به کار برده است و در اکثر جاها قصد وی از کاربرد اشارات، علاوه بر بیان موضوعات یادشده، هنرنمایی شاعرانه و به رخ کشیدن قدرت و قریحه شاعری است. خواجه از آداب و رسوم، موضوعات علم نجوم، موسیقی، معتقدات عامه، خرافات رایج، اساطیر و تاریخ، به طور وسیع آگاهی داشته و با نکته سنجی و هنرمندی و قریحه قدرتمند شاعرانه، در جهت بیان آنچه که مطلوبش بوده، از آگاهی هایش سود جسته است.

این پایان نامه پس از بیان مبانی نظری مرتبط با موضوع، به بیان مختصری از زندگانی، آثار، اعتقادات و سبک شعر خواجه می پردازد، و سپس، به معرفی و تبیین مفصل آداب و رسوم و اشارات دیوان وی در قالب فرهنگ می پردازد. در بخش آخر بعد از برآیند و نتیجه گیری فهرستی از انواع آداب و رسوم و اشارات دیوان خواجه تهیه و ارائه شده است. روش کار در قسمت فرهنگ آداب و رسوم و اشارات به این صورت است که ابتدا با استناد به فرهنگ ها و کتب مرجع و مناسب، به شرح و توضیح مدخل یافته شده در دیوان خواجه پرداخته، سپس شواهدی را از نظم و نثر فارسی جهت فهم بهتر آن آورده و سپس ابیات خواجه ذکر شده است. اساس کار در این پژوهش «دیوان خواجهی کرمانی» تصحیح احمد سهیلی خوانساری است که در حال حاضر تصحیحی معتبرتر از آن در دسترس نیست.

از بررسی دیوان خواجه مشخص می شود که آداب و رسوم روزمره و عامیانه و اشاره به اصطلاحات نجومی و وقایع تاریخی از دیگر انواع آداب و رسوم و اشارات بازتاب یافته در دیوان نمود بیشتری دارد.

کلمات کلیدی: شعر فارسی، خواجهی کرمانی، فرهنگ اشارات، آداب و رسوم،

فرهنگ عامه.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	چکیده
د.....	پیش گفتار.....
۱.....	فصل نخست : مقدمات و کلیات
۲.....	تعاریف و مفاهیم.....
۲.....	فرهنگ.....
۶.....	فرهنگ عوام.....
۱۲.....	سنت.....
۱۳.....	آداب و رسوم.....
۱۴.....	اشارات.....
۱۷.....	اهمیت شناخت و بررسی آداب و رسوم.....
۲۰.....	رابطه آداب و رسوم و اشارات با فرهنگ.....
۲۱.....	رابطه آداب و رسوم و فرهنگ عامه با ادبیات.....
۲۲.....	خواجو و تصویر آفرینی با اشارات.....
۲۹.....	فصل دوم : زندگینامه و سبک شعری خواجو
۳۰.....	زندگانی خواجو.....
۳۳.....	آثار خواجو.....
۳۵.....	ممدوحان خواجو.....
۳۶.....	مذهب و اعتقادات خواجو.....
۳۷.....	آگاهی خواجو از بیشتر علوم روزگار.....
۳۷.....	مضامین و سبک شعری.....
۳۹.....	اثرپذیری و اثرگذاری خواجو.....

فصل سوم : فرهنگ آداب و رسوم و اشارات دیوان خواجو..... ۴۲

آ..... ۴۳

ا..... ۶۳

ب..... ۹۰

پ..... ۱۱۵

ت..... ۱۲۳

ث..... ۱۳۵

ج..... ۱۳۸

چ..... ۱۵۳

ح..... ۱۶۳

خ..... ۱۷۲

د..... ۱۸۶

ذ..... ۲۰۱

ر..... ۲۰۳

ز..... ۲۰۹

س..... ۲۲۷

ش..... ۲۵۱

ص..... ۲۷۸

ض..... ۲۸۵

ط..... ۲۸۶

ع..... ۲۹۳

غ..... ۳۱۳

ف..... ۳۱۷

ق..... ۳۲۱

ک..... ۳۳۳

گ..... ۳۴۷

ل..... ۳۵۴

۳۶۰.....	م
۳۹۷.....	ن
۴۱۱.....	و
۴۱۵.....	ه
۴۲۶.....	ی

۴۳۰..... **بر آیند و نتیجه گیری**

۴۳۵..... **فهرست ها**

۴۳۶..... فهرست انواع اشارات دیوان خواجه

۴۶۰..... فهرست عناوین فرهنگ آداب و رسوم و اشارات دیوان خواجه

۴۸۳..... فهرست مراجع

چکیده انگلیسی

پیش‌گفتار

این نکته که پیشرفت و تعالی برای هر ملتی یک آرزو و آرمان محسوب می‌شود، نکته‌ای واضح است و نیاز به اثبات ندارد. یکی از انواع پیشرفت و تعالی که پایه و زیربنای انواع دیگر پیشرفت‌هاست، پیشرفت و تعالی فرهنگی است. اما برای گام نهادن در مسیر این گونه از پیشرفت، ناگزیریم شرایط آن را فراهم سازیم. یکی از شرایط اساسی و مهم برای تحقق این امر، شناخت درست و دقیق فرهنگ و عناصر فرهنگی پیشینیانمان است. از عناصر بسیار مهم فرهنگی که ما را در شناخت دقیق فرهنگمان بسیار یاری می‌دهد، شناخت آداب و رسوم، قواعد و قوانین اجتماعی، اعتقادات و باورها، اساطیر و ... است که بسیاری از این موارد را می‌توان در قالب اشارات موجود در متون ادبی مطالعه کرد و شناخت. زیرا ادیب (شاعر یا نویسنده)، به عنوان فردی که در جامعه زندگی می‌کند، با دیگران معاشرت دارد، با فرهنگ مردم دمساز است، در آثار ادبی و فرهنگی متقدمان و معاصران کاوش و جستجو دارد و کارش مستلزم نگاه دقیق به جزئیات و مسائل است، می‌تواند تا حد زیادی، عناصر فرهنگی را در اثر یا آثارش متجلی کند و از آن‌ها تصاویر ادبی بیافریند.

از سوی دیگر برای آن که شناخت درستی از ادبیات سرزمین خود داشته باشیم و بتوانیم در راه تعالی آن گام برداریم، ناگزیریم آداب و رسوم و اشارات موجود در متون ادبی را که نقش اساسی در آفرینش‌های ادبی و هنری شاعر و نویسنده دارند به درستی مطالعه و تحلیل کنیم.

ملاحظه می‌کنیم که بررسی و شناخت آداب و رسوم و اشارات موجود در متون ادبی نقش مهمی در شناخت ادبیات و فرهنگ و در پی آن تعالی فرهنگی دارد.

از این روی، نگارنده در پژوهش حاضر می‌کوشد تا با بررسی و تحلیل آداب و رسوم و اشارات دیوان خواجهی کرمانی که یکی از شعرای مهم ادبیات فارسی است گامی ناچیز در تحقق شناخت ادبیات و فرهنگ و تعالی آن‌ها بردارد.

شایان ذکر است که درباره‌ی موضوع این پایان‌نامه تا به حال کار مستقلی صورت نگرفته است. با تورق مثنوی‌های خواجه به این نتیجه رسیدیم که بسیاری از اشارات این آثار از نوع اشارات دیوان خواجه است و بررسی و شناخت اشارات دیوان، در موارد بسیاری ما را از تحقیق در مورد اشارات مثنوی‌های خواجه بی‌نیاز می‌سازد.

مراحل انجام این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. شناخت و مطالعه‌ی آثاری که درباره‌ی خواجه نوشته شده‌اند. ۲. مطالعه‌ی دیوان خواجه و استخراج آداب و رسوم و اشارات. ۳. تحلیل و توصیف آداب و رسوم و اشارات موجود در دیوان با استناد به کتبی که در این زمینه موجود است. ۴. پیدا کردن شواهدی در حد امکان مناسب، برای آداب و رسوم و اشارات، از کتب نظم و نثر و نیز فرهنگ‌ها. ۵. دسته‌بندی آداب و رسوم و اشارات دیوان. ۶. تدوین و بیان حاصل بررسی. در مجموع، شیوه‌ی گردآوری مطالب این پژوهش فیش برداری و کتابخانه‌ای است.

برای پژوهش در آداب و رسوم و اشارات متون نظم و نثر پارسی، استفاده از چند کتاب بسیار سودمند به نظر می‌رسد: یکی از این کتب، کتاب **فرهنگ تلمیحات** اثر دکتر سیروس شمیسا است که در آن به معرفی و شرح تلمیحات گوناگون موجود در متون ادبی از قبیل تلمیحات اساطیری، داستانی، تاریخی، و مذهبی پرداخته‌اند. این کتاب برای نخستین بار در سال ۱۳۶۶ چاپ شد و حاصل یادداشت‌های ایشان در دوره‌ی تحصیل و دانشجویی پیرامون تلمیحات و اشارات متون ادبی است. دیگر کتاب **فرهنگ اشارات** است باز هم اثر دکتر شمیسا، در واقع این کتاب ادامه‌ی فرهنگ تلمیحات است و در آن به بررسی و شرح اساطیر، سنن، آداب، اعتقادات، علوم و ... پرداخته شده است. کتاب **فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی** نیز کتابی سودمند در عرصه‌ی بررسی اشارات است. دکتر محمدجعفر یا حقی در مدت پنج سال از عمر پر تلاش خود (سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۹)، دست‌نوشته‌هایی را با مطالعه‌ی کتاب‌ها و رساله‌ها و مقالات گردآوردند. حاصل این مطالعات و تلاش‌ها، تدوین این کتاب شد.

این پژوهش دربردارنده موارد برجسته ای از اشارات دیوان خواجه به موضوعات زیر

است :

۱. اساطیر

۲. تاریخ

۳. تمثیلات

۴. جغرافیا

۵. دربار

۶. دیوان

۷. ریاضیات

۸. زیبایی شناسی

۹. طب

۱۰. طبیعت

۱۱. عرفان

۱۲. فلسفه

۱۳. مذهب : (آیات قرآن کریم، احادیث، آموزه ها و اعتقادات مذهبی و فقهی، داستان های

مذهبی)

۱۴. معماری

۱۵. موسیقی

۱۶. موضوعات اجتماعی و مسائل عام و روزمره : (آداب و رسوم، آرایش ها، انواع جامه،

بازی ها، جشن ها، خرافات و معتقدات عامه، وسایل روزمره)

۱۷. نجوم

۱۸. وسایل و امور جنگی

برخی از اشارات نظیر اشارات اساطیری، تاریخی و مذهبی در ذیل اعلام (نام های

خاص) عنوان شده است. باید متذکر شویم که هدف از ذکر اعلام فقط بیان این گونه اشارات

(اساطیری، تاریخی، مذهبی و ...) و ماجراها و نقل های خاص بوده است نه اشاره به اعلام.

در پایان ذکر این نکته لازم است که بررسی و شرح آداب و رسوم و اشارات یک اثر

ادبی نظیر دیوان خواجه کرمانی، نیاز به بنیة علمی و دانش فراوان در این زمینه دارد که

این حقیر فاقد آن هستم، اما سعی کردم با مراجعه به منابع موجود در حدّ امکان به استخراج و بیان آداب و رسوم و اشارات موجود بپردازم.

فصل نخست

مقدمات و کلیات

تعاریف و مفاهیم

پژوهش‌های انجام شده در حیطه علوم انسانی با واژه‌هایی اساسی و تخصصی سروکار دارند، مخاطب برای آنکه مقاصد و اهداف نگارنده را به درستی درک کند، ناگزیر است با مفاهیم و تعاریف این گونه واژه‌ها و نیز واژه‌های مرتبط با آن‌ها آشنایی داشته باشد. بنابراین در این بخش به بررسی، تعریف و توضیح واژه‌های مؤثر و مرتبط با موضوع این پایان‌نامه می‌پردازیم.

فرهنگ^۱

ریشه واژه فرهنگ

« صورت باستانی فرهنگ در اوستای کنونی و نوشته‌هایی که از فارسی باستان در دست داریم دیده نشده است. صورت پهلوی آن «فرهنگ» (far-hang) است. گمان می‌رود که این واژه از پیشوند «فر» به معنی پیش و ریشه باستانی «ثنگ» (thang) به معنی کشیدن ساخته شده باشد. » (تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، ص ۱۵)

فرهنگ در لغت

برای واژه فرهنگ در کتب لغت چند معنی ذکر کرده اند از قبیل: ادب (صحاح الفرس، فرهنگ رشیدی، انجمن آرای ناصری)، عقل و ادب (معیار جمالی، تحفه الاحباب)، ادب و دانش و بزرگی (شرفنامه منیری، کشف اللغات)، اندازه و حد هر چیزی (فرهنگ رشیدی، انجمن آرای ناصری)، نیکویی تربیت، پرورش، بزرگی، عظمت، بزرگواری، فضیلت،

۱- Culture

وقار، شکوه‌مندی، دانش، حکمت، هنر، علم، معرفت، علم فقه، علم شریعت، کتابی که محتوی لغات فارسی باشد. (فرهنگ نفیسی). (ر.ک : همان، صص ۱۶ و ۱۷)

تعاریف فرهنگ

برای مفهوم فرهنگ تعاریف فراوانی ارائه شده است که بیان همه آن‌ها در حوصله این پژوهش نمی‌گنجد. بنابراین به بیان چند تعریف ارائه شده که مهم تر و در این پژوهش کاربردی تر اند، می‌پردازیم. پس از آن به یک جمع بندی کلی در مورد تعریف و مفهوم فرهنگ می‌رسیم :

« به تعریف مردم شناسان، میراث اجتماعی یا میراث فرهنگی یا فرهنگ عبارت است از مجموعه پیچیده ای که شامل دانش‌ها، آگاهی‌ها، باور‌ها، هنر‌ها، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم، تمامی گرایش‌ها، قابلیت‌ها و عادت‌ها که آدمی در حالت عضویت در یک جامعه نصیبش می‌شود. به بیان دیگر، کلیه ساخته‌ها، آموخته‌ها، اندوخته‌ها، ارزش‌های مادی و معنوی و دست‌آوردهای انسان‌ها در طی تاریخ، فرهنگ نامیده می‌شود. » (جامعه‌شناسی ادبیات فارسی، ص ۱۶)

« فرهنگ عبارت از دست‌آوردها، نهادها، عقاید و مجموعه ای از قواعد معاشرت و رفتارهای مرسوم است که جامعه آن را برای بهره‌برداری از نیروهای بالقوه موجود در زیستگاه خاص خویش به کار می‌گیرد. (کوئن^۱)^۲ » (انسان‌شناسی فرهنگی، فرانک رابرت وای ولو^۳، ص ۲۰)

« فرهنگ از نظام‌های فعالیت یک جمعیت و روش‌های بهره‌برداری آن‌ها از سازمان اجتماعی، سیاسی، ارتباطات اقتصادی، زبان، آداب و رسوم، اعتقادات، قواعد، هنرها و یا هر چیز دیگری که از افراد دیگر یا از طریق اعمال آن‌ها آموخته می‌شود، ترکیب شده است. (لوین^۴) » (همانجا)

فرانک رابرت وای ولو، برای تعریف فرهنگ، آن را از دو دیدگاه مورد بررسی قرار داده است : دیدگاه کلی نگر و دیدگاه ذهنیت‌گرا. وی معتقد است از دیدگاه کلی نگر « فرهنگ بر کلیت روش‌های زندگی مردم دلالت دارد. ... این دیدگاه بر اهمیت کارکردی فرهنگ

^۱ - Cohen

^۲ - واژه داخل پرانتز در آخر تعاریف، بیانگر نام ارائه دهنده تعریف است.

^۳ - Frank Robert Vivalo

^۴ - Levin

به عنوان مکانیزمی برای سازگاری و به عنوان واژه ای عمومی برای شناخت مجموعه راه هایی که یک جامعه روابط خود را با محیطش تنظیم می کند و همچنین به عنوان مجموعه ای از راه هایی که جامعه روابط خود را از درون سازماندهی می نماید، تأکید می ورزد. « (همانجا)

چنان که مشاهده می کنیم، این تعریف از فرهنگ، تا حدّ زیادی رابطه تنگاتنگ فرهنگ و آداب و رسوم را آشکار می کند.

وای ولو در تبیین فرهنگ از دیدگاه ذهنیت گرا می گوید: « دومین دیدگاه عمده برای مطالعه فرهنگ، سیستمی مفهومی و خیالی است که فرهنگ را به عنوان مجموعه ای از دانش و اعتقادات قلمداد می کند که مردم از طریق آن، ادراکات و تجربیات خود را نظم بخشیده و تصمیم گیری می کنند. همچنین در این دیدگاه فرهنگ به عنوان شیوه عملی حیات مردم شناخته شده است. « (همان، ص ۲۱)

از دیدگاه نخست فرهنگ بیشتر به روش های زندگی مردم، آن گونه که هست ارتباط دارد، اما از دیدگاه دوم فرهنگ بیشتر به آن چیزهایی مربوط است که مردم اعتقاد دارند باید وجود داشته باشند. به بیان دیگر فرهنگ از دیدگاه نخست توصیفی است و از دیدگاه دوم تجویزی. فرهنگ از دیدگاه دوم، بخش مهمی از اشاراتی که در این پژوهش بدان پرداخته می شود را در بر می گیرد. (اشاره به دانش ها، اعتقادات و قوانین)

« فرهنگ یا تمدن ... کلیت در هم تافته ای است شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عادت که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می آورد. (تایلور^۱) « (تعریف ها و مفهوم فرهنگ، ص ۳۹)

فرهنگ: « تمامی کرد و کارهای اجتماعی به گسترده ترین معنای آن، مانند زبان، زناشویی، نظام مالکیت، ادب و آداب، صناعات، هنر و جز آن. (ویسلر^۲) « (همانجا)

فرهنگ: « الف) مجموعه تمامی کرد و کارها، رسوم و باورها. ب) مجموعه فرآورده ها و کرد و کارها، نظام دینی و اجتماعی، رسوم و باورهای یک قوم ... که بنا به عادت، آن ها را تمدن می نامیم. (دیکسون^۳) « (همان، ص ۴۰)

^۱- Tylor
^۲-Wissler
^۳- Dixon

« باورها، نظام های فکری، فنون علمی، راه و رسم های زندگی، رسوم، سنت ها و تمامی شیوه های کردار که جامعه بدان سازمان می بخشد، فرهنگ نامیده می شود. (هیلر^۱) « (همان، صص ۴۰ و ۴۱)

« مراد ما از فرهنگ مجموعه چیزهایی است که فرد از جامعه خود کسب می کند، یعنی باورها، رسوم، سنجه های هنری، عادات خورد و خوراک و پیشه هایی که نه از راه کردوکار خود بنیاد او، بلکه به صورت میراثی از گذشته، از راه آموزش و پرورش رسمی و غیررسمی، به او رسیده است. (لووی^۲) « (همان، ص ۴۱)

« فرهنگ به سادگی عبارت است از کلیت یکپارچه ای مرکب از وسایل و کالاهای مصرفی، خصوصیات اساس گروه های اجتماعی گوناگون، تصورات، پیشه ها، باورها و رسوم بشری. (مالینووسکی^۳) « (همان، ص ۴۲)

« فرهنگ به معنی ادب، تربیت، دانش، علم و معرفت، بیرون کشیدن و بالا کشیدن استعداد های درونی فرد و اجتماع، رسوم، مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم به کار رفته است. « (زمینه فرهنگ و تمدن ایران، ص ۲۶)

بروس کوئن^۴ ضمن تعریف فرهنگ برای این مفهوم یک ویژگی اساسی و مهم مطرح کرده است : « بنابر یک برداشت نادرست همگانی، برخی از اعضای جامعه فرهنگ دارند و برخی دیگر فرهنگ ندارند. اما از دیدگاه جامعه شناختی، هر انسان بزرگسال عادی، از فرهنگ برخوردار است. فرهنگ را می توان به عنوان مجموع ویژگی های رفتاری و عقیدتی اکتسابی اعضای یک جامعه خاص، تعریف کرد. واژه تعیین کننده در این تعریف، همان واژه اکتسابی است که فرهنگ را از رفتاری که نتیجه وراثت زیست شناختی است، متمایز می سازد. همه نوزادان هنگام گرسنگی یا تشنگی و یا ناراحتی، گریه سر می دهند. این گونه گریه سردادن نوزادان که در همه جوامع بشری موجود مشاهده شده، ویژگی رفتاری شاخص هیچ فرهنگ خاصی به شمار نمی آید؛ بلکه پدیده ای غیراکتسابی است که از وراثت زیست شناختی انسان سرچشمه می گیرد. « (درآمدی به جامعه شناسی، ص ۳۷)

فرهنگ را از بعدی به دو نوع مادی و غیرمادی تقسیم کرده اند : « فرهنگ مادی : به مجموعه پدیده هایی اطلاق می گردد که محسوس و ملموس و قابل اندازه گیری با موازین

^۱-Hiller

^۲- Lowie

^۳-Malinowski

^۴- Bruce Cohen

کمی و علمی است. مانند : فنون، ابزارهای کاربردی و تولیدی، داروهای شیمیایی، فنون پزشکی، وسایل موتوری، ابداعات برقی و فرهنگ غیر مادی : به موضوعات و مسائلی گفته می شود که قابل اندازه گیری با موازین کمی نیست و به آسانی نمی توان آن ها را مقایسه و ارزیابی نمود. مانند : معتقدات، ضوابط خویشاوندی، زبان، هنر، ادبیات، رسوم و ...، که در واقع هویت فرهنگی یک جامعه را تشکیل می دهد. « (زمینه فرهنگ شناسی، ص ۲۴)

با جمع بندی نکات ذکر شده، می توان گفت فرهنگ، عبارت است از کلیت در هم پیچیده ای شامل عناصر آداب و رسوم، سنت ها، توانایی ها، عادات، اعتقادات، باورها، آگاهی ها، دانش ها، دین، هنرها، قوانین، اخلاقیات، گرایشها، رفتارها و کردارهای اجتماعی، زبان، قواعد معاشرت، نظام ها، حرفه ها، ساخته ها و اندوخته ها، وسایل و کالا ها، ارزش های مادی و معنوی، خصوصیات اجتماعی و راه های سازگاری با محیط که از گذشتگان به یادگار مانده است و آدمی با زندگی در جامعه و از طریق آموزش آن ها را کسب می کند.

با ارائه توضیحات فوق در ارتباط با فرهنگ، امید است تا حدی رابطه تنگاتنگ آداب و رسوم و عناصر فرهنگی موجود در اشارات متون ادبی با مقوله فرهنگ روشن شود.

فرهنگ عوام (فولکلور)^۱

فرهنگ عوام در زبان فارسی معادل کلمه بین المللی فولکلور گرفته شده است. فولکلور نیز کلمه ای است انگلیسی، مرکب از دو جزء : یکی Folk و دیگری Lore که در فارسی به فرهنگ توده، فرهنگ عوام یا عامه، فرهنگ مردم و ادبیات عامیانه ترجمه شده است. نخستین کسی که این کلمه را به عنوان اسم رشته ای خاص از دانش، اختیار کرد «آمبروز مورتن^۲» (باستان شناس قرن نوزدهم انگلستان) است که به سال ۱۸۸۵ میلادی این عنوان را برگزید و مدت ها گذشت تا تمام ملت ها این کلمه را به همین صورت قبول کردند و ترکیب مذکور جنبه بین المللی به خود گرفت. (برگرفته از ادبیات عامیانه ایران، ص ۳۵، و زمینه فرهنگ شناسی، ص ۸۰، و گردشهر با چراغ، ص ۲۵۰؛ نیز ر.ک : فرهنگ عامیانه مردم ایران، ص ۲۳۳)

^۱ - folk lore

^۲ - Ambrose Morton

موضوع این گونه دانش بحث درباره دانش عامیانه و آداب و رسوم سنتی بود. پس از رواج این اصطلاح در زبان فارسی به معنی دانش عامیانه و دانستنی های توده مردم رواج یافته است. (ر.ک : گرد شهر با چراغ، صص ۲۵۰ و ۲۵۱)

برای اصطلاح فولکلور تعاریف بسیاری ارائه شده است که در بسیاری از موارد با تعاریف فرهنگ و سنت نزدیک است. در اینجا برخی از آن ها را ذکر می کنیم :

« مجموعه ای از دانستنی ها و اعمال و رفتاری که در بین عامه مردم بدون در نظر گرفتن (و حتی بدون وجود) فواید علمی و منطقی آن، سینه به سینه و نسل به نسل و به صورت تجربه به ارث رسیده است. » (گرد شهر با چراغ، ص ۲۵۱)

« وان ژنپ^۱ در تعریف، فولکلور را عبارت از باورها و اعمال گروهی می داند که با موازین علمی و منطقی جامعه انطباق ندارد و اجرای آن ها بر حسب عادت و تقلید و هم چشمی و سرگرمی صورت می گیرد. » (زمینه فرهنگ شناسی، ص ۸۱)

بنابر کلیت این تعریف، مقدار زیادی از فعالیت های روزمره جوامع، چون مراسم تولد، نحوه غذا خوردن و آداب خوراک، شیوه لباس دوختن و لباس پوشیدن، آداب و رسوم کفن و دفن، مراسم عروسی، جشن ها، آوازاها، قصه ها و مانند این ها در شمار فولکلور محسوب می شود. (ر.ک : گرد شهر با چراغ، ص ۲۵۳)

« فولکلور عبارت از همه جنبه های عامیانه زندگی است. » (گرد شهر با چراغ، ص ۲۵۷)

طبق تعریف سن تیو^۲ « فولکلور به مطالعه زندگی توده عوام در کشورهای متمدن می پردازد؛ » (فرهنگ عامیانه مردم ایران، ص ۲۳۳)

وارانیاک^۳ برای فولکلور سه خصوصیت ذکر کرده است :

« ۱- فولکلور بر میراث و اصول تمدنی قدیمی و کهن بنا شده است.

۲- فولکلور با هیچ گونه روش علمی و استدلال منطقی همراه نیست. یعنی نه معلمی آن را تدریس می کند و نه از کتاب و نوشته ای می توان آموخت و به علاوه، عاری از هر گونه آرایش روشنفکری و پیرایش نظری است.

^۱ - Arnold van Geneep

^۲ - Saint Yves

^۳ - Varagnac